

جلسه هفدهم روح و غذای روح

«تزکیه نفس موقت و دائم»

۱- تزکیه نفس موقت و دائم

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ عَلَى
رَسُولِ اللَّهِ وَ عَلَى آلِهِ آلِ اللَّهِ لَا سِيَّما عَلَى بَقِيَّةِ اللَّهِ رُوحِي وَ أَزْوَاجُ
الْعَالَمِينَ لِتُرَابٍ مَقْدَمِهِ الْفِدَاءُ وَ اللَّعْنَةُ الدَّائِمَةُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ
أَجْمَعِينَ مِنَ الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ».

۲- اهمیت ماه رجب و شعبان و رمضان در تزکیه نفس

چند روز دیگری از ماه رجب بیشتر باقی نیست و بعد ماه
شعبان پیش می آید و بعد هم ماه رمضان، این دو سه ماه

خیلی برای تزکیه نفس و پاک شدن روح از جمیع امراض
روحی مناسب است.

۳- تزکیه نفس موقت و دائم

تزکیه نفس و معالجه امراض روحی به دو بخش تقسیم
می شود. یکی دراز مدت است و یکی هم موقت است. همان
طوری که ایمان مستقر و مستودع دارد. گاهی می شود که
انسان ایمان دارد ولی گاهی هم ندارد. تا یک حدی هم
اختیارش در دست خود انسان است. گاهی به غفلت های
مختلف مبتلا می شود یا حالا برایش پیش می آید، یا اینکه
طبیعی این طور می شود. چون صفات رذیله دارد. صفات
رذیله وقتی که ظهور کرد، ایمان فرار می کند. همین طور تزکیه

نفس هم به دو دسته تقسیم می شود یکی موقت است. شما می توانید در ماه رجب و شعبان برای ضیافت الله مثلاً یک تزکیه نفس کاملی، ولی موقت انجام بدهید، به خاطر اینکه در ضیافت الله وارد می شوید، چون این شبهه ای بود برای بعضی از دوستان که ما گاهی می گفتیم: خودتان را پاک کنید. این ها فکر می کردند وقتی گفتیم: خودتان را پاک کنید دیگر پاک می شوند و به تزکیه نفس نیازی نیست، نه این طور نیست. تزکیه نفس موقت داریم و تزکیه نفس مستدام. موقتش می شود با یکی دو ماه تمام مراحل تزکیه نفس را انجام داد بلکه گاهی می شود با چند دقیقه، چند لحظه، چند ثانیه انسان خودش را موقتاً پاک کند.

گاهی می شود که نه این تزکیه نفس موقت کافی نیست. به قول معروف حافظه ای که با کندر بیاید با ماست هم می رود.

با یک مثلاً توجه، توسل، یک شب بیدار ماندن یک شب احیاء تا صبح بیدار ماندن ممکن است انسان صد درصد هم پاک بشود. امّا با یک غفلت از بین می‌رود. اینکه گاهی می‌بینید تزکیه نفس هر مرحله‌اش یک سال طول می‌کشد برای این است که می‌خکوب بشود. خوب محکم بشود. طوری بشود که دیگر با هر چیزی از بین نرود. این یک برنامه دراز مدتی است که همین طور که مشغول هستید، بلکه گاهی می‌شود بیشتر از این هم باید انسان کار بکند.

۴- تزکیه نفس موقت در ماه رجب و شعبان

امّا یک برنامه تزکیه نفسِ موقت هم هست. این هم باید به آن توجه بشود. مثلاً حالا ماه رمضان می‌خواهد پیش بیاید در

این دو ماه رجب و شعبان انسان ممکن است که واقعاً خودش را موقتاً بسازد. مثلاً انسان می‌خواهد یک مهمانی برود، لباس ندارد لباسِ فاخرِ مناسبِ آن جلسه مهمانی را ندارد، حالا چکار کند؟ پول دارد که مثلاً فرض کنید که لباس تهیه بکند، می‌رود از یک کسی که لباس فاخری دارد دو دست هم دارد مثلاً می‌رود از آن موقتاً می‌گیرد، حالا یا کرایه می‌کند یا به دوستی می‌گیرد. این لباس موقت است، این بعد از تمام شدن مجلس مهمانی باید آن را برگرداند. یک همچین تصویری بکنید برای تزکیه نفس موقت و تزکیه نفس دائمی. تزکیه نفس موقت را البته انسان باید دائماً انجام دهد، مناسبت‌هایی در دوره سال پیش می‌آید که اگر آن‌ها را انجام ندهد، ممکن است که در آن مهمانی دیگر راهش ندهند یا اگر راهش دادند خیلی با سرزنش و منت راهش دهند.

در ماه رجب و شعبان پروردگار متعال طوری قرار داده که به هر حال شما یک لباس موقتی هم که شده، یک لباس تقوای موقتی هم که شده، حتماً تهیه بکنید. دعا‌هایی که در این دو ماه هست، دستوراتی که در این دو ماه هست، توجّهاتی که هست، حتی تا مرحله انس با خدا و حتی توکل و تسلیم و رضا، این‌ها را می‌تواند انسان در این دو ماه، عرض کردم موقتاً به اندازه‌ای که در ماه رمضان آبرومند باشد و بتواند در ضیافت الله شرکت بکند برای خودش تهیه بکند. راهش هم همین خواندن دعاها و عبادت‌هایی است که در این دو ماه دستور داده شده و تقسیم کردن این دو ماه را لااقل به ده روز، ده روز، برای مراحل.

هیچ اشکالی ندارد که شما پیش خودتان منظور کنید که ده روز اول ماه رجب برای توبه باشد، ده روز برای استقامت

باشد، البته عرض کردم این‌ها همه‌اش جنبه موقت دارد و با تزکیه نفس کامل منافات ندارد. ده روز در صراط مستقیم خودتان را بسازید، ده روز اول ماه شعبان در محبت، بخصوص که تولد حضرت ابی عبد الله الحسین علیه السلام مظهر عشق و محبت به پروردگار، در این ده روز اول ماه شعبان است و در دهه دوم ماه شعبان که تولد حضرت بقیه الله ارواحنا فداه هست کوشش کنید که در جهاد با نفس و عبودیت و این‌ها باشد و دهه آخر برای اینکه انسان صد درصد پاک شود، که در روایت دارد که اگر انسان در دهه آخر ماه شعبان یا پانزده روز آخر ماه شعبان قرار گرفت این دعا را زیاد بخواند، «اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ تَكُنْ غَفَرْتَ لَنَا فِيمَا مَضَى مِنْ شَعْبَانَ فَاعْفِرْ لَنَا فِيمَا بَقِيَ مِنْهُ»^۱ معلوم است در مابقی ماه

۱ - مفاتیح الجنان، دعای پایانی روزهای ماه شعبان.

شعبان حتماً باید یک کاری انسان انجام بدهد که بتواند به ضیافت الله وارد شود. از اوّل ماه رمضان دیگر مرحله انس با پروردگار باید ولو موقت شروع بشود. آن‌هایی که این مراحل را عمیقاً انجام داده‌اند خیلی کار برایشان ساده است یعنی زحمت روانداختن به بزرگان و زحمت اینکه بالآخره یک لباس تقوای مناسبی تهیه کردن و این‌ها را ندارند. امّا برای آن‌هایی که نه، هنوز مراحلشان تکمیل نشده، باید خودشان را این طرف و آن طرف بزنند، کارهایی انجام بدهند. کوشش بکنند که در این دو ماه که بعضی از اولیاء خدا دو ماه رجب و شعبان را روزه می‌گرفتند، دو ماه رجب و شعبان را شب‌ها به عبادت می‌گذراندند، دو ماه رجب و شعبان را تا جایی که می‌توانستند خودشان را از همه رذایل پاک می‌کردند.

۵- فرق مهمانی عام و خاص خداوند

کاری که ما می‌کنیم با کاری که اولیای خدا در این دو ماه می‌کردند فرقش این است که اگر کسی بتواند تزکیه نفس بکند در دراز مدت و عمیق دیگر راحت است همیشه آماده است برای ضیافت الله، همیشه ما مهمان خدا هستیم، حتی به حضرت ولی عصر ارواحنا فداه عرض می‌کنیم «نَزِيلُكَ حَيْثُ مَا اتَّجَهْتَ رِكَابِي. وَ ضَيْفُكَ حَيْثُ كُنْتُ مِنَ الْبِلَادِ»^۲ ما هر جایی از بلاد دنیا باشیم مهمان شما هستیم، در هر جا که مرکب ما فرود بیاید، در کنار تو هستیم و همیشه ما مهمان خدا، مهمان اصلاً معنا ندارد ما مملوک خدا هستیم و رزقمان با ذات مقدس پروردگار است و همیشه مهمان نماینده خدا، خلیفه خدا حضرت بقیه الله ارواحنا فداه هستیم.

۲ - صحیفه مهدیه، ج ۱، ص ۵۷۶ - زیارت امام زمان ارواحنا فداه در روز جمعه.

اما یک مهمانی‌های خاصی هست، چرا نگفتند ماه شعبان
مهمان خدا هستیم؟ ماه شوال مهمان خدا هستیم؟ این یک
مهمانی خاص است. ببینید خدای تعالی دو صفت دارد که
زیاد هم تذکر داده به نام رحمان و رحیم. رحمان و رحیم یک
معنا دارد یعنی مهربان و مهربانی، ولی به دو تا لفظ گفته شده
یکی رحمان گفتند و یکی رحیم گفتند. و علت اینست که
دو تا سفره خدای تعالی انداخته یکی عام برای همه مردم،
همه، حتی شمر و یزید و این‌ها هم دارند استفاده می‌کنند از
این سفره عام پروردگار که همان معنای رحمانیت است. این
رحمانیت همیشه هست یعنی از حیوانات ذره بینی گرفته تا
پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله برای همه این رحمانیت
هست این بخشنده‌گی هست روزی به همه می‌دهد، خوب،
بد، کوچک، بزرگ، زن، مرد، حیوان، انسان، همه را دارد این

رحمت عام پروردگار و بخشندگی پروردگار شامل حال همه می شود. یعنی اگر یک وقت به شما گفتند که ما ماه رمضان مهمان خدا هستیم باید از شما پرسند چه موقع مهمان خدا نیستیم؟ شما هم بی جواب نمانید. جوابش این است که یک رحمانیتی پروردگار دارد یک سفره عامی دارد همه را راه داده همه آمدند.

یک سفره خاصی هم که تحت عنوان رحیمیت است آن را هم دارد. من یک جایی با یک کسی مهمانی رفته بودم که برای آن شخص سفره خاصی انداخته بودند که خیلی باشکوه بود ولی به بقیه شله و حلیم این طور چیزها می دادند، مردم می آمدند می خوردند می رفتند. یک عده ای از شخصیت ها حالا مطابق فکر روزگار که برای چه کسی شخصیت قائل باشند، برای شخصیت ها اتاق خاصی

داشتند اتاقی که اصلاً شُله و این حرف‌ها نبود که هر کسی
بیاید بخورد و برود. نه، حساب داشت خیلی دقیق خیلی
باشکوه خیلی با احترام.

این جمله را هم عرض کنم شخصیت‌ها از نظر افراد فرق
می‌کند. شخصیت بعضی از افراد به قدرتش است. رئیس
فلان اداره هست، رئیس فلان قسمت است، یکی
شخصیتش به قلدری‌اش است، سابقاً در محله‌های شهرها
یک افراد قلدری بودند این‌ها را مردم خیلی احترام می‌کردند
به خاطر ترسشان از این آقا که نصف شب مست می‌کند و
می‌آید و آورده می‌کشد برای خاطر همین بعضی‌ها
احترامشان می‌کردند. یکی هست که مثلاً برای رئیس جمهور
احترام قائل است، یکی برای رهبر احترام قائل است، یکی
برای فلان مسأله. همین طور هر کسی یک فکری دارد و برای

یک شخصیتی که به نظر او اهمیّت دارد خوب ممکن است برای همان شخصیّت احترام قائل بشود. امّا خدای تعالی دیگر معلوم نیست که برای رئیس جمهور و رهبر و بالا و پایین این و آن احترام خاصی قائل بشوند همان که خودش در قرآن فرموده که: «عِنْدَ اللَّهِ» احترام برایشان قائل است همان را قائل هست «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ»^۳ ببینید «عِنْدَ اللَّهِ» یعنی نزد خدا شماها ممکن است که «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» باشد. ما یک آدم با تقواترینی را اگر پیدا کردیم، اگر پول داشت احترامش می‌کنیم، اگر قدرت داشت احترامش می‌کنیم، حالا اگر هیچی نداشت، هیچ چیز از این‌ها نداشت فقط تقوا داشت، خُب نوش جانست و تقوا را هم باید مخفی نگه بداری و کسی نبیند مال خودت باشد یا علم

۳ - سوره حجرات، آیه ۱۳.

احیاء نفس خودش را داشت، این مهم است احیاء نفس خودش، احیاء دیگران را. احیاء هم این نیست که حالا یک نفر سخته کرده فوراً انسان یک دارویی به آن بدهد احیاء بشود این احیاء موقت است. احیاء روح مردم، احیاء ابدی مردم، احیاء آن زندگی ابدی که مردم دارند، این دو چیز در نزد پروردگار ارزش دارد. یعنی خود خدا در قرآن فرموده وَاَلَّا مَا حَقَّ نَدَاشْتِیمْ که درباره نظر پروردگار، خواست پروردگار اظهار نظر کنیم. ولی خودش فرموده: «هَلْ یَسْتَوِی الذِّینَ یَعْلَمُونَ وَ الذِّینَ لَا یَعْلَمُونَ»^۹ و ما هم می دانیم که علم در نزد خاندان عصمت علیهم السلام همان علم حیات ابدی هست و علم احیاء دیگران است. حالا یک قدری بهتر، خودش را زنده کرده باشد، دیگران را هم زنده کند. زندگی ابدیست و یکی

۴ - سوره زمر، آیه ۹.

این است، یکی هم تقوا است، پاکی است، تمیزی این‌ها هست.

خدای تعالی یک مهمانی خاصی دارد، که آن‌هایی که اهل تقوا و اهل علم هستند و در این مجلس وارد می‌شوند می‌فهمند. این‌هایی هم که شله خور هستند حالا ما مشهدی‌ها می‌گوییم: شله، جای دیگر می‌گویند: حلیم. مثلاً این‌هایی که دیدید در هیأت وارد می‌شوند، شله را می‌خورد، حلیم می‌خورد یکی پاهاش را دراز می‌کند می‌خورد یکی دارد به آن یکی فحش می‌دهد و دارد می‌خورد یکی نان جلویش هست دارد می‌خورد یکی نان نیست و دارد می‌خورد شلوغ در شلوغ خب این‌ها باشند. این‌ها را خدای تعالی این طوری پذیرفته است، عین حیوانات یعنی فرقی نمی‌کند برای ذات مقدس پروردگار از آن جانور ذره بینی که هست، بعد آن

جانوری که مثلاً کثافات را گرد می‌کند تا می‌رسد به یزید و
شمر و بقیه مردم، همه دعوت هستند همه بیایند بخورند،
جنبه حیوانی هم دارد صد درصد.

اما یک عده‌ای هستند که این‌ها از نظر خدا «عِنْدَ اللَّهِ» اکرام
باید بشوند «أَكْرَمَكُم» اکرام باید بشوند از نظر خدا. آن‌ها چه
کسی هستند؟ قدر مسلمشان ائمه اطهار علیهم السلام
هستند آن‌ها را نمی‌شود با رحمانیت تنها از سر واکرد، نه!
آن‌ها شخصیتی هستند. خود خدا به آن‌ها شخصیت داده
است مثل یک رئیس جمهوری که به وزیرش شخصیت
داده، یک آدم عادی بوده حالا این را وزیر خودش کرده،
پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام هم
همین طور خدای تعالی، البته ماها بی‌جهت ممکن است
گاهی یک شخصیتی به یک کسی بدهیم، اما خدای تعالی

روی حساب، روی تقوا، روی علم، روی دانش به یک فردی
شخصیت می دهد. از ائمه اطهار علیهم السلام که بگذریم
اولیاء خدا، انبیاء البته در مرحله اوّل، بعد هم شهداء بعد هم
صالحین و صدیقین هستند. این ها محترم هستند. این ها
می توانند از آن ضیافت الله خاص استفاده بکنند یعنی حتماً
دعوت هستند. «دُعِیْتُمْ فِیْهِ اِلٰی ضِیَافَةِ اللّٰهِ»^۵ حالا یکی یک
طوری هست که در همان راهرو غذا می دهند، یکی را می برند
در اتاق بالا و سفره و با یک خصوصیت خاصی و با احترام
خاصی به آن محبت می کنند. هم مرکبش را غذا می دهند و
هم خودش را. همه طور پذیرایی کامل به او می کنند.

۵ - مفاتیح الجنان، خطبه شعبانیه.

۶- ماه رجب و شعبان، فرصت برای ورود به مهمانی خاص

خداوند

اولیاء خدا موقت می‌توانند ولیّ خدا بشوند ولی موقت است مثلاً اول ماه رجب و شعبان انسان کار می‌کند همین دعاها خیلی انسان ساز است ولی چون روی آن کار نکردید موقت است مثلاً فرض کنید معارف‌تان مثل آنچه که در دعای حضرت بقیة الله ارواح‌نافداه گفته شده که همان جمله‌اش معروف است «لَا فَرْقَ بَيْنَكَ وَبَيْنَهَا إِلَّا أَنَّهُمْ عِبَادُكَ وَخَلْقُكَ»^۶ یا «يَا مُرْسِلَ الرَّحْمَةِ مِنْ مَعَادِنِهَا» اینقدر معرفت بالا رفته که ما امام را معدن رحمت خدا می‌دانیم و همه آنچه که به ما می‌رسد رحمت است از طرف پروردگار و منبعش و

۶ - مفاتیح الجنان، توقیع ناحیه مقدسه در ماه رجب.

معدنش ائمه اطهار علیهم السلام هستند. این از نظر اعتقادات.

از نظر اخلاقیات هم که این دعاهایی که در ماه رجب هست، اخلاق را به انسان تعلیم می دهد همین دعای معروف که همه هم اکثراً حفظ هستید «يَا مَنْ أَرْجُوهُ لِكُلِّ خَيْرٍ، وَآمَنْ سَخَطُهُ عِنْدَ كُلِّ شَرٍّ، يَا مَنْ يُعْطَى الْكَثِيرَ بِالْقَلِيلِ، يَا مَنْ يُعْطَى مَنْ سَأَلَهُ»^۷ که من در روز دوشنبه در جلسه ای که خانم ها جمع بودند، گفتم: «مَنْ سَأَلَهُ» کسی که سؤال بکند از خدا. آخر ماها غالباً سؤالاتمان از خدا نیست. از خدایی هست که در ذهنمان ساختیم آن خدایی که معرفی کرده اند ائمه اطهار علیهم السلام از او ما سؤال نمی کنیم. روی جهتی که نمی شناسیم حتی آنقدر از او دور هستیم که نمی دانیم

۷ - مفاتیح الجنان، دعای ماه رجب.

اصلاً چه صفتی دارد. آن ساخته خودمان است «كُلَّمَا
مَيَّرْتُمُوهُ بِأَوْهَامِكُمْ فِي أَدَقِّ مَعَانِيهِ فَهُوَ مَخْلُوقٌ مَصْنُوعٌ مِثْلُكُمْ
مَرْدُودٌ إِلَيْكُمْ»^۸ هر چه را که شما فکر می کنید که خدا است و
این طوری تمیزش دهید این مخلوق شما است، به خودتان
مردود است، خدای خودتان است، یعنی «مَنْ سَأَلَهُ» نیست.
«يَا مَنْ يُعْطَى مَنْ سَأَلَهُ» اگر از خدا سؤال بکنید با همان
ایمان قوی و با شناختی که علی ابن ابیطالب علیه السلام از
خدا دارد، فوراً خدا می دهد هر چه هم باشد. امّا «مَنْ سَأَلَهُ»
نیست این را توضیح دادم. همین دعاها انسان را خوب
می سازد، خیلی عالی می سازد. دعاهایی است در همین ماه
رجب که اعتقادات انسان را درست می کند، درماه شعبان
هم همین طور، خود این تولدها اعتقادات انسان را درست

۸ - منهاج البراعة في شرح نهج البلاغة، خوئی، ج ۱، ص ۳۰.

می‌کنند، انسان را نزدیک می‌کنند، مقربش می‌کند تا ماه رمضان می‌رسد. ماه رمضان هم ممکن است، اگر انسان سوء استفاده‌ای نکند، آدم خیلی لغزنده‌ای نباشد، خیلی پایش روی پوست خربزه نباشد، خیلی هِمَج رعا نباشد شاید هم در آن مهمانی خاص راهش بدهند. والا اگر نه موقتاً درست کرده و می‌دانند این آدم پستی است و رفته لباسی کرایه کرده که بلکه بتواند در آن مهمانی برود، این را غالباً راهش نمی‌دهند یعنی لذتی که اولیاء خدا از آن مهمانی و ضیافت الله می‌برند این فرد آن لذت را نمی‌برد، این موقت است. برای همین است که من زیاد اصرار دارم که زودتر تزکیه نفستان را زودتر دقیق، عمیق باصطلاح روی عادت‌ی که باید به هر صفتی از صفات بکنید انجام بدهید تا وقتی که دم در وارد می‌شوید، بگویند: آقا بفرمایید شما از این طرف. در قیامت

هم همین طور است. «إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ»^۹ این ها در قیامت هم که وارد می شوند یک وقت به کسی می گویند: برو آقا توی صحرا بایست تا نوبت بشود، امّا یک کسی که وارد می شود که آن را می شناسند که این یک فرد شاخصی است، شخصیتی است این هایی را که الان ایستادند و معطل شدند، حتّی این ها را کنار می زنند می گویند: آقا بیا برو، بیا شما از این کنار از خط سبز مثلاً عبور کنید، این طوری می شود. افرادی باشید شماها که از خط سبز، از کنار گمرک از هر چه که می خواهید اسمش را بگذارید این ها مثال هایی است که ما مجبور هستیم برای استناد شما و مأنوس شدن شما به حرف برای شما عرض کنیم والّا کوچک ترین گیری

۹ - سوره حجر، آیه ۴۰.

داشته باشد می گویند برو، برو داخل جمعیت بایست تا ببینیم چه برنامه ای خواهی داشت.

۷- ورود موقت در بین مخلصین

فعلاً چیزی که من می خواهم در عرایضم عرض کنم و برای شما فعلاً مفید است این است که موقتاً هم که شده خودتان را در مخلصین بنویسید لااقل به اندازه همین ماه رمضان. یک وقت ممکن است خدای تعالی البته ممکن است یعنی بعید هم نیست که خدای تعالی می داند تو آمدی در آن مهمانی خاص، برای همیشه در آن جا نگاهت می دارد، احتمالش هست چون بعید است از رحمت پروردگار که یکی را موقتاً یک جایی راه بدهند، نشانش بدهند، نعمت ها

را ببیند و بعد محرومش کند. در دعاها هست این مطلب،
در آن دعای بعد از زیارت حضرت رضا علیه السلام «قَدْ تَكْرَّرَ
وُقُوفِي لِضِيَاغَتِكَ»^{۱۰} می گوید: مکرراً اتفاق افتاده که من در
ضیافت و مهمانی تو وارد شده‌ام «فَلَا تَحْرِمْنِي مَا وَعَدْتَ
الْمُتَعَرِّضِينَ لِمَسْأَلَتِكَ»^{۱۱} ای خدا من را محروم نکن از آنچه
که وعده کردی به اولیائت، به آن‌ها وعده کردی دیگر، آن‌ها را
که می‌بری ما دیدیم که بردی، ما هم دیدیم. ولو یک شب، در
ماه رمضان شما بتوانید وارد آن رحمت خاص بشوید،
احتمالش هست که نگه داشته بشوید. بنابراین این کار
موقت را هر کس، چه مرحله‌اش پایین باشد، چه بالا باشد،
چه کار کرده باشد، چه جدی باشد، چه غیر جدی، این

۱۰ - مفاتیح الجنان، دعای بعد از زیارت امام رضا علیه السلام.

۱۱ - مفاتیح الجنان، دعای بعد از زیارت امام رضا علیه السلام.

اخلاص موقت را، این خلوص موقت را بدست می‌آورد، والاّ همه ما برای یک روز ممکن است استقامت کنیم، برای یک جریان استقامت کنیم. همه ما برای یک مدت کوتاهی صراط مستقیم داشته باشیم. همه ما برای بعضی وقت‌ها با نفسمان جهاد داشته باشیم. همه ما در مقابل پروردگار بندگی داشته باشیم. پس ما چه می‌گوییم؟! ما می‌گوییم که این‌ها را محکم‌ش کنید، مثل همان نقاشی که عرض کردم با مداد روی دیوار خط می‌کشد و یک نقاشی با مداد می‌کند، ولی بعد باید بیاید این را تکمیل کند، یک دست روی آن بکشند پاک می‌شود، با مداد پاک کن پاک می‌شود و از بین می‌رود. تقوا و خلوصی که موقت باشد از بین می‌رود و همه زحمات شماها و ما و همه در این است که این روحیه تقوا و خلوص جا بیافتد، اگر جا نیافتاد ممکن است که خراب

شود. شما یک دری می برید داخل یک پنجره‌ای می گذارید،
دو طرفش آجر می گذارید نقداً هم ایستاده، مثل اینکه این در
را کار گذاشتید اما تا گچش نکنید، تا محکمش نکنید این
هر لحظه ممکن است حتی صدمه هم به دیگران بزند. و لذا
افرادی که موقت مخلص هستند و بعد دست می کشند از
برنامه‌های کمالات روحی شان یا عادی می شود برایشان یا
مثل پشه‌ای که در فضا باد این طرف و آن طرفشان می کند
هستند، این‌ها علاوه بر اینکه وجودشان برای خودشان مفید
نیست یک قیافه‌ای از سلامت نفس، یک قیافه‌ای از خلوص
پیدا کردند و دارند، ممکن است گاهی ضرر هم برای دیگران
داشته باشند. چون مردم فکر می کنند این همان آدم خالص
آن روز است. این همان آدم پاک آن روز است. خودشان را به
او می سپارند یا به او اعتماد می کنند. آن هم آن خلوص را از

دست داده، آن وضع را از دست داده، حالا رشوه می‌گیرد،
حالا دزدی می‌کند حالا خیانت می‌کند، حالا هزار طور
کارهای زشت می‌کند، آن وقت شما می‌آیید می‌گویید: او را
آدم خوبی می‌دانستیم! بیخود خوب می‌دانستید. انسان تا
مراحل کمالات را محکم و خوب طی نکند نمی‌شود به او
اعتماد کرد. تا این دیوار خودش خوب محکم نباشد من
نمی‌توانم به آن تکیه کنم، نمی‌شود اصلاً تکیه کرد. اگر دیوار
سست باشد من تکیه کردم آن قسمت بالای آن روی سر من
می‌ریزد.

۸- استفاده از ایام الله برای تزکیه نفس موقت

پس دوتا کار دارید برای ماه رمضان که الان چون در پیش است یک کار و یک کار هم برای ابد، مثلاً عید غدیر. مثلاً ماه ذیحجه ماه غدیر است یا عید قربان یا عید فطر یا حتی همین نیمه شعبان. اینها ایّامی است که خدای تعالی در قرآن می‌فرماید: «ایام الله» را به یاد مردم بیاورای پیغمبر یعنی «ایام الله» معنایش این است که یک افاضه خاصی خدای تعالی در آن روز به مردم دارد. حالا مردم چه طور مردمی می‌باشند، بتوانند در آن مجلس خاص وارد بشوند یا نتوانند. ولی خدا سفره‌اش را انداخته، در ایام الله ولی ما الان چون ماه قمری را اصلاً مطرح نمی‌کنیم از «ایام الله» هم اطلاع نداریم اگر خیلی هم ایام اللهی را هم بخواهیم منظور کنیم ۲۲ بهمن را می‌گوییم: «ایام الله» با اینکه در برج نباید باشد. و حال

اینکه «ایام الله» در ماههای قمری است در آیه قرآن است که خدا در قرآن می فرماید. حالا یک افاضه خاصی وقتی که به انسان می رسد هر وقتی آن روز آن زمان، زمان خداست حالا در برج های شمسی باشد یا در ماه های قمری فرقی نمی کند ولی آن ایام الهی که خدا در قرآن متذکر می شود همان روزهای حساس مثل ایام شب های احیاء، مثل نیمه شعبان، مثل تولّد حضرت سید الشهداء علیه السلام، مثل مبعث پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله این ها منظور است. یعنی در مرحله اوّل این ها منظور است و خودتان را بسازید. البته این را هم بگویم آن کسی که می خواهد به کمالات روحی برسد باید اوّل خودش را بسازد و در این مجالس موقت هم شرکت کند اگر موقتش نباشد دائمی اش نمی شود. خودش را در این مجالس موقت برساند. لا اقل اگر در یک مجلس عمومی که

به همه غذا می دهند وارد شد برود پشت در اتاقی بنشیند که
اقلاً بوی آن به دماغش برسد، غذای خصوصی می دهند، اقلأً
تا پشت در برود. نه اینکه بی اعتناء باشد، بی اهمیت باشد.
ما شکممان سیر شد تمام شد مسئله حل شد این ها نباشد
دقت می کنید. پس از این ایام باید کمال استفاده را کرد.

۹- درک حالات اولیاء خدا در ماه رمضان با تزکیه نفس موقت

شما یک دفعه ماه رمضان مثلاً به عنوان مهمانی خدا،
مهمانی خاص خدا رفتید در آن اتاق خاص، ولو یک شب،
شب احیاء. آنجایی که امام زمان ارواحنفا ده نشستند،
آنجایی که اولیاء خدا هستند، شهداء هستند، صدیقین
هستند. شما فکر نکنید شهداء که از دنیا رفتند، نه، آن

لطف الهی که سرازیر می شود به تمام عالم وجود سرازیر می شود حالا یک شب هم توانستید شما وارد شوید، این یا اینکه نگه تان می دارند، حالا که آمدی باش یا اینکه اقلاً آشنا می شوید با آن وضع آن مجلس و شرایط آن مجلس. آدم می بیند که این هایی که اینجا نشسته اند چه خصوصیتی دارند. چطور لباس پوشیدند، چطور مرتب هستند، چطور وضعی دارند، اقلاً انسان آشنا می شود. والا کسی که همیشه آمده دم در یا یک کاسه آش به او دادند و همان جا نشسته خورده این هیچ وقت نمی فهمد که آن اتاق بالا و آن اتاق پذیرایی خاص چه هست و چه می دهند، اصلاً نمی فهمد. و اکثریت مردم متأسفانه همین طور هستند. اکثریت مردم نمی دانند که اولیاء خدا که رهبرشان و بزرگشان ائمه اطهار علیه السلام هستند. و بعد هم اولیاء خدا چه لذتی می برند.

من حالا نمی‌خواهم و مجلس مناسب نیست که عرض کنم
که یک نفر یکی از این لذائد ظاهری در درجه اعلاء را از نظر
ملکی برخورد کرده بود ولی اهل معنا و اهل کمالاتی بود
می‌گفت اصلاً نمی‌شود با هم مقایسه کرد واقعاً نمی‌شود
مقایسه کرد. لذتی که اولیاء خدا در وقتی که با خدای تعالی
مناجات می‌کنند، دعا می‌خوانند، قرآن می‌خوانند. اولیاء
خدا همین طور نشسته‌اند لذتی که همین طور از
بیکاری‌شان می‌برند مردم دیگر و ماها اصلاً از بهترین لذائد،
آن لذت را نمی‌بریم یعنی یک سرسوزنِ آن لذت را ما
نمی‌بریم. ما نمی‌دانیم که الان خدای تعالی در محضر خدا
بودن چه لذتی دارد، حتّی ممکن است که یکی بگوید:
بهشتی که همیشه انسان باشد دیگر حوصله‌اش سر می‌رود،
آن فکر مال این است که خیال می‌کند که همان دم در

حیات آن کاسه آش را به او داده‌اند، خُب این خورد همان جا
اصلاً حوصله‌اش سر می‌رود. یا در طویله هم مثلاً بخواهند
پذیرایی‌اش کنند خُب آدم دلش می‌خواهد زودتر از طویله
بیرون برود. ماها اصلاً نمی‌فهمیم که اولیاء خدا چه می‌کنند
که اگر میلیارد میلیارد سال وقت داشته باشد باز می‌گویند:
کم است. اینقدر لذت بخش است باز می‌گوید: زود تمام
شد. مجالس پر نشاطی که گاهی اتفاق می‌افتد و شما
می‌روید، می‌بیند ساعت شده یک بعد از نصف شب،
می‌گویید: چه زود گذشت! صدها برابر، هزار برابر این را
زیادش کنید شاید آن لذتی که اولیای خدا از انس با خدا
می‌برند را شما بفهمید. می‌بینید آن شاعر می‌گوید: «سنة
الوصال سنة» سال وصال یک لحظه است یک سنة است «و
سنة الفراق سنة» یک لحظه فراق یک سال است و واقعاً این

طور است. شاید برای ما پیش نیامده باشد برای اکثر ما این لحظات که انسان برسد به محبوبش، حالا محبوبش هر چه می خواهد باشد. محبوب های مجازی، خب مجازی است دیگر اصلاً ارزش ندارد. محبوب حقیقی ذات مقدس پروردگار یک لذتی انسان می برد که اصلاً نمی تواند وصفش کند، حتی خودش نمی تواند درباره اش فکر کند که همین طور بیکار نشسته شب، نصف شب با خدا دارد حرف می زند، اصلاً حرف هم نمی زند، اصلاً خدا را تماشا می کند، خدا را می بیند، خدا را حس می کند، لقاء پروردگار است. این در همان بیکار نشستن، یکی از دوستان به من تلفن می زد چندی قبل می گفت: من این طور حالی برای من پیدا شده، چطور هست؟ فکر می کرد بد است، می گفت: نه حال دعا خواندن دارم، نه حال فلان یعنی حالش را نه اینکه نداشته

باشد، نخواسته باشد، می‌گفت: این لذت بخش‌تر است که همین‌طور می‌نشینم به خدا نگاه می‌کنم. شما می‌گویید: مگر می‌شود به خدا نگاه کرد؟! با این دوتا چشم بدن، نه، ولی خدایی که همه ذرات عالم را دارد الان مثل منظومه شمسی حتی اتم را دارد می‌چرخاند، همه کارها را دارد می‌کند، اصلاً انسان نمی‌تواند نبیندش. «أَنَّهُ مَا نَظَرْتُ إِلَى شَيْءٍ إِلَّا وَرَأَيْتُ اللَّهَ قَبْلَهُ وَبَعْدَهُ وَمَعَهُ»^{۱۲} حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: انسان به آنجا که می‌رسد یک حالتی پیدا می‌کند لذت بخش، سرتا پا لذت است، سرتا پا شیرین است. می‌گویید: چو ذکر دوست می‌گویم دهانم می‌شود شیرین. سرتا پا خوشحال هستم، این‌طوری می‌شود. اصلاً دیوانه‌ترین انسان‌ها آن انسانی است که این لذت را احساس

۱۲ - أسرار الصلاة، ص ۶۵.

کرده باشد، برای همین می‌گوییم: موقتش را بپذیرید چون موقتش را انسان وقتی پذیرفت نمی‌تواند ول کند، دیگر نمی‌تواند جدا بشود، این لذّت را بچشد، این لذّت را احساس کند، این لذّت را ولو احتمال بدهد و بالذائد دنیایی سرگرم بشود، یعنی محال است. بنابراین ان شاء الله این کوشش را بکنید، حالا همه‌تان چون در راه هستید و ان شاء الله یک قدم‌های بلندی برداشتید، ولی در عین حال کوشش بکنید که ان شاء الله برای ماه رمضان، شب اول ماه رمضان در آن اتاق خصوصی کنار امام عصر ارواحنا فداه نشسته باشید، مهمانی خدا را این طوری استقبال کرده باشید و دیگر حالا قرآن می‌خواهید بخوانید، قرآن نخوانید. دعاهای ماه رمضان را می‌خواهید بخوانید، می‌خواهید نخوانید یعنی نمی‌توانید نخوانید، نمی‌توانید قرآن نخوانید،

آزاد هستید. یک ختم قرآن کسی می خواند که آن بیرون در نشسته باشد بخواهد خودش را به این وسیله بکشانند داخل اتاق خاص. شما یک ختم قرآن که سهل است اگر وقت داشته باشید صد ختم قرآن می خوانید، هر شب دعای جوشن کبیر و دعای ابو حمزه ثمالی را می خوانید. این هم که می گویند: بعضی از علماء در گذشته در قنوت نماز شبشان دعای ابو حمزه ثمالی را می خواندند این حرف خاصی نیست، یعنی اصلاً میلشان می کشیده، حالتشان ایجاب می کرده، الان هم هر کس از دوستان از من می پرسند که ما دعا های ماه رجب و ماه شعبان را بخوانیم یا نه؟ می گویم: اگر خسته نمی شوید بخوانید، اگر حالش را داری، غذایی جلویت گذاشته اند اگر اشتهايش را داری بخور، کسی جلویت را نمی گیرد، اما اگر می خواهی زور زورکی بخوری، با

فشار بخوری و خسته بشوی و چرت بزنی و بخوانی، نه،
نخوان خسته می شوی و خستگی ضرر دارد برای انسان و
بعضی ها هستند که اصلاً خسته هستند، یعنی اصلاً از
همان اولش خسته است، اصلاً مریض هستند اشتها که
ندارند هیچ گلویش را غده سرطان گرفته، اصلاً نمی تواند یک
لقمه قورت بدهد. آن هایی که اصلاً هیچ دعایی نمی توانند
بخوانند، یک نماز واجبشان را می خواهند بخوانند خیلی با
فشار و با ناراحتی می خوانند، خسته می شوند، خوشحال
می شوند که مسافر هستند و دو رکعت نمازشان را کمتر شده
و از این حرف ها، این ها که هیچی، اصلاً باید بگوییم که
سخت مریض هستند ولی اهل معناگاهی آن طور یعنی
آن هایی که با اصطلاح جزء صدیقین هستند، جزء شهداء
هستند، جزء صالحین هستند، جزء انبیاء هستند، این ها

همیشه با خدا هستند، می بینید که حضرت موسی وقتی که در کوه طور قرار می گیرد هم خدا دوست دارد که با حضرت موسی زیاد صحبت کند و هم حضرت موسی دوست دارد زیاد با خدا صحبت کند. «وَمَا تِلْكَ بِيَمِينِكَ يَا مُوسَى»^{۱۳} سؤال برای خدا، جزء اظهار محبت و حرف زدن و تکلم کردن چیز دیگری نیست. خدا می داند چه به دست حضرت موسی هست، هر عاقلی جلوی حضرت موسی بود می دانست که این عصا است. حضرت موسی هم نگفت که ما گاهی می گوئیم: خودت می دانی که چه هست به دستم. گفت: «هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّأُ عَلَيْهَا وَأَهُشُّ بِهَا عَلَى غَنَمِي»^{۱۴} اگر می گفت این عصاء هست معلوم می شود خیلی با محبت

۱۳ - سوره طه، آیه ۱۷.

۱۴ - سوره طه، آیه ۱۸.

نیست ولی بقیه‌اش را که مرتب می‌گفت گفت گفت، از آخر هم خودش خجالت کشید دید خیلی پُر حرفی کرده گفت: «وَلِي فِيهَا مَآرِبٌ أُخْرَى»^{۱۵} یک کارهای دیگری هم باهاش می‌کنم. والا همه را می‌خواست بگوید و دل نمی‌کند از کوه طور، از آنجایی که با خدا دارد حرف می‌زند. از زن و بچه‌ای که الان دارد زنش دارد وضع حمل می‌کند. اصلاً فراموش کرده بود و حرفی از او نمی‌زد. داشت آنجا خدا می‌فرمود: «اَذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ»^{۱۶} ببینید آن‌ها کجا بودند. آن‌ها چه لذتی از مناجات و صحبت با خدا می‌بردند و ما حالا قرآن برایمان هست سی جزء قرآن با کمال تأسف من اطلاع دارم بعضی‌ها همین سی آیه‌ای از قرآن که در هفته باید خوانده شود

۱۵ - همان.

۱۶ - سوره طه، آیه ۴۳.

نمی خوانند و چه عرض کنم حالا ان شاء الله که هر کسی خودش «كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا»^{۱۷} خدای تعالی در روز قیامت می فرماید: خودت برای خودت حسابگر خوبی هستی. خودت حساب بکن، ببین چقدر تو به ما اعتنا کردی چقدر ما به تو اعتناء کردیم؟ چقدر ما به تو رسیدیم، چقدر تو به ما رسیدی، یک نماز گفتند بخوان همه اش، گفتم پریشب اینجا که تمام نماز مغرب و عشایی که ما اینجا می خوانیم نیم ساعت طول می کشد. این وسطش بیرون می روند، حرف های متفرقه می زنند، خب این نیم ساعت تکان نخور، حرف نزن، حرکت نکن، حالا این نیم ساعت است. از بیست و چهار ساعت وقت، نیم ساعت نماز ظهر و عصر را که پای سفره می خوانیم با یک غذا که کشیدند و بعدش هم آدم

۱۷ - سوره اسراء، آیه ۱۴.

کسل است هیچی. نماز صبح هم که خواب آلود هستیم. شب تا ساعت یک نشستیم صبح چرتی هستیم، آن هم هیچی. اقلان نماز مغرب و عشاء که حالا دیگر مرضی نداریم که این هم شیطان نمی‌گذارد.

۱۰- اهمیت انس با پروردگار

کوشش بکنید ان شاء الله که با خدا انس بگیرید. اگر نگیرید نه دنیا دارید، نه آخرت، نه بهشت، نه هیچی هیچ حالا ممکن است بعد از مدت‌ها شما را راه بدهند در بهشت. ولی واقعاً این است که آدم گاهی خودش خجالت می‌کشد، خودش می‌گوید: آخر من چه حقی دارم که با خدا حرف بزنم؟ بگویم: خدایا به من برس، بگویم: خدایا من را ببخش.

چون اینقدر بی‌اعتنایی به خدای تعالی کرده است، نمی‌گوییم: گناه کرده حتی آدم گاهی خجالت می‌کشد که بگوید: خدایا من را ببخش. دیگر اینقدر بی‌اعتنایی به ذات مقدس پروردگار کرده است، خدایی که همیشه با ما هست، هر چه گفته ما بی‌اعتنایی کردیم. آنقدر انسان خودش را دور نگه داشته از خدای تعالی که اصلاً حالا فرسخ‌ها بدود باز هم ممکن است به خدا نرسد.

۱۱- تهیه لباس تقوا با توسل به حضرت موسی بن جعفر علیه

السلام

ان شاء الله امیدواریم ما هم این تذکرات را فقط به عنوان اینکه ماه رجب دارد تمام می‌شود و ان شاء الله ماه شعبان دارد شروع

می شود. یک لباس تقوایی ولو برویم از اولیاء خدا کرایه بکنیم، اجاره بکنیم، ریش گرو بگذاریم و خواهش بکنیم یک لباس تقوایی تهیه بکنیم و بهترین فرد هم برای اینکه لباس تقوا بشود از او کرایه کرد، از او درخواست کرد، حضرت موسی بن جعفر علیه السلام است. که امروز روز شهادت این آقا بوده است. چند شب قبل هم گفتم: حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در رساندن انسان به کمالات روحی و رفع امراض روحی، حالا رفع امراض روحی موقتش باشد یا دائمی اش، دائمی اش باید خود انسان هم کمک کند. «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا»^{۱۸} اما موقتش را لا اقل بروید این دم ساعت آخر روز بیست و پنجم ماه رجب یک کاری بکنیم که ان شاء الله حضرت موسی بن جعفر علیه السلام یک توجهی

۱۸ - سوره عنکبوت، آیه ۶۹.

به ما بفرمایند. «السلام الْمُعَذِّبُ فِي قَعْرِ السُّجُونِ وَ ظُلَمِ
الْمَظَامِيرِ» یا ابا الحسن یا موسی بن جعفر، آقا جان دستان
به دامت. آنقدر قدرت الهی هستید که در کنار دجله وقتی
که جنازه مقدسش را گذاشته بودند، هارون می خواست
کاری بکند که شهادت موسی بن جعفر علیه السلام به گردن
او نیافتد چون از شیعیان می ترسید. شایعه می خواستند
بکنند که آقا در زندان به عجل خودش از دنیا رفته یک شیعه
با اخلاص، یک شیعه ای که کاش خدا ما را هم جزء آن
شیعیان قرار بدهد گفت: امام ما مرده و زنده ندارد. چرا مردم
معطل هستید از خود حضرت سؤال بکنید، آقا موسی بن
جعفر آیا شما را کشتند یا به عجل خودتان از دنیا رفتید؟
حضرت سرشان را یک مقداری بلند کردند لب هایشان تکان
خوردند فرمودند: «قتلا قتلا، قتلا قتلا، قتلا قتلا»